چند خاطره فرهنگی

عزیزی، علی اصغر

آقای دکتر عزیزی مشاور مدیر عامل هواپیمائی ایران(هما)از فرهنگیان خبیر و از کوشندگان راه تعالی و پیشرفت ایران و از خادمین مطبوعات،کشور است.وی در سمتهای مختلف‏ منشأ خیر و خدمت بوده و سالی چند در دانشگاههای برلین و وین بتدریس اشتغال داشته‏ و در سال 1948 نشریه ندای شرق را در اطریش منتشر میکرده است.طی سالهای اخیر نیز مطبوعات هما را سرپرستی مینمود و یقین است که این رابطه معنوی و فرهنگی را هیچوقت‏ با دوستان و یاران خود قطع نخواهد کرد.

خاطرات آقای دکتر عزیزی در طی سنوات خدمات فرهنگی بسیار زیاد است و فهرست‏وار بخشی از آن در این صفحات آورده میشود بامید آنکه در آینده به تفصیل مرقوم دارند و در دسترس بگذارند.

نمایشگاه هفتهزار سال هنر ایران

نمایشگاه هفتهزار سال هنر ایران که در کشورهای فرانسه-آلمان-هلند-اطریش- سوئیس و ایتالیا ترتیب یافت به ابتکار من صورت گرفت و یقنا"مکاتبات مربوط در بایگانی‏ تعلیمات عالیه و روابط فرهنگی وزارت فرهنگ سابق موجود میباشد.پس از اقدامات تقریبا" دو ساله چون مقامات فرهنگ نمیتوانستند تصمیم بگیرند ترتیبی فراهم آمد که آقای پرفسور هوند هاوسن از مدیران کارخانه کروپ که برای شرکت در اولین نمایشگاه صنعتی آلمانی به‏ ایران آمد هنگام شرفیافی جریان مذاکرات نمایندگان فرانسه-آلمان-هلند-سوئیس- آریا مهر رسانید و تصویب معظم له راکتبا"به وزارت فرهنگ ابلاغ نمود.هنگام تشکیل‏ نمایشگاه در آلمان والا حضرت شهناز بنمایندگی شاهنشاه در مراسم افتتاح حضور یافتند.

جناب آقای اردشیر زاهدی نیز شرکت داشتند.

در تنظیم کاتولوگ نمایشگاه در آلمان و اطریش من همکاری داشتم و در خودکاتولوک‏ این مطلب درج شده است.

اهداء مجسمه شکسپیر

علاوه بر کتب متعدد که بهر فرصت به کتابخانه‏های ایران بالاخص کتابخانه ملی تهران‏ هدیه کرده بودم یک مجسمه مرمر شکسپیر هم به کتابخانه ملی تهران اهداء نمودم که سالها در آنجا بود.

دو سال پیش از طرف وزارت فرهنگ بمن نوشتند که جناب آقای پهلبد اظهار تمایل‏ فرموده‏اند این مجسمه به دانشگاه هنرهای در اماتیک منتقل گردد و موافقت مرا خواسته‏ بودند که البته موافقت کردم و هم اکنون این مجسمه در دانشکده مزبور میباشد.

انجمن روابط فرهنگی ایران و اطریش

چون در زمان جنگ رابطه بین کشورهای اروپائی خاصه اروپای مرکزی با دنیای خارج قطع شده‏ بود ومردم این ناحیه خاصه نسلی که بعد از جنگ پا به دانشگاه میگذاشت درباره سایر نواحی اطلاع کافی نداشتند در همان سال 1945 که جنگ پایان یافت در حالیکه معلم زبان‏ فارسی در دانشگاه وین بودم اقدام به تشکیل انجمن روابط فرهنگی ایران و اطریش نمودم‏ که مراسم افتتاح آن با حضور روسای دانشگاههای اطریش و شخصیتهای فرهنگی و اجتماعی‏ آن کشور در سالن بزرگ شهرداری وین ترتیب یافت و آقایان دکتر خلیل ضیائی(استاد چشم پزشکی)دانشگاه تهران و سناتور دکتر طاهر ضیائی(رئیس اطاق صنایع و بازرگانی) جزء اولین اعضای این انجمن بودند.انجمن همواره به فعالیت خود در زمینه شناساندن‏ ایران ادامه داد و بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس آن شاهنشاه آریا مهر پیامی صادر فرمودند که در حضور جناب آقای محسن صدری سفیر شاهنشاه آریا مهر در اطریش،کارمندان‏ سفارت و همچنین اعضای انجمن توسط جناب آقای شجاع الدین شفا معاون فرهنگی وزارت‏ دربار شاهنشاهی قرائت گردید و دستخط آن اعطاء شد.

انجمن فرهنگی ایران و آلمان

در سال 2518 شاهنشاهی(1959 میلادی)که سمت رایزنی فرهنگی ایران را در آلمان و اطریش داشتم با توجه به نتایجی که از فعالیت انجمن روابط فرهنگی ایران و اطریش‏ حاصل گردیده اقدام به تأسیس انجمن ایران و آلمان نمودم که مورد استقبال فوق العاده‏ فرهنگیان و طبقات مختلف آلمان قرار گرفت و فعالیت قابل توجهی نشان داد.در این مورد هم پس از احضار من اقدامی صورت نگرفت و فراموش شد تا در سال 2523 شاهنشاهی‏ که درباره تأسیس دانشگاه آلمان در ایران که شرح آن در زیر خواهد آمد مطالعه بعمل‏ می‏آمد.

مقامات ایرانی و فرهنگیان آلمان که به لزوم یک انجمن رابط دو کشور توجه یافته‏ بودند بهنگام تحقیق مطلع شدند که چنین انجمنی وجود دارد اما مسکوت مانده است‏ لذا به دستور جناب آقای دکتر امیر اصلان افشار سفیر سابق شاهنشاه آریا مهر در آلمان‏ غربی فعالیت انجمن از سر گرفته شد و هم اکنون در جهت منافع فرهنگی و اقتصادی کشور ما اقدامات مهمی انجام میدهد.

در حال حاضر آقای فون هاسل وزیر سابق امور خارجه آلمان و نایب رئیس کنونی‏ پارلمان آن کشور ریاست انجمن را بر عهده دارند و من هم عضو هئیت رئیسه هستم.چندی‏ پیش آقای فون هاسل که برای یک سفر رسمی به نمایندگی دولت آلمان به ایران آمده بودند. در شرفیابی حضور شاهنشاه آریا مهر برنامه کار و فعالیت انجمن ایران و آلمان را بشر فعرص‏ رسانیدند.

شرح کلیه اقداماتیکه خارج از امور جاری سرپرستی دانشجویان انجام شده طولانی‏ است و تصور نمیرود مورد لزوم باشدوشاید چند مورد حائز اهمیت که در دوران وابستگی‏ فرهنگی افتخاری من انجام شده است ذکر شود.

این امور در زمانی صورت گرفته است که نه فقط حقوق و مزایائی دریافت نداشته‏ام‏ بلکه از عایدی ناچیز تدریس در دانشگاه وین هزینه آنرا پرداخته‏ام.

انتخاب استادان پزشکی اطریش برای دانشگاه تبریز

پس از ورود ارتش شاهنشاهی به تبریز و فرار متجاسران یکی از مشکلات این بود که‏ بصرف عوام فریبی بر سر در یک دبیرستان تابلوئی با عنوان«آذربایجان بوتیورستی»نصب‏ کرده بودند بدیهس است پائین آوردن آن تابلو تبلیغات سوء فراوان بهمراه داشت.امریه‏ صادر شد در تبریز دانشگاه حقیقی بوجود آید.جناب آقای دکتر اقبال که مسئولیت این‏ امر را عهده‏دار شدند از من خواستند در تشکیل و ترتیب دانشگاه پزشکی دانشگاه تبریز کمک کنم.

آقای پرفسور ابرلن رئیس آنزمان دانشگاه پزشکی تهران مأمور سازمان اصلی دانشگاه‏ و دانشکده پزشکی شدند.تهیه طرح و ترتیب کرسیهای اصلی بر عهده من واگذار شد تا استادان‏ خارجی انتخاب کنم.پس از مطالعات زیاد بکمک دانشکده پزشکی و وزارت اطریش